

در یادداشتی از سجاد موحد، مدیرعامل مرکز مالی ایران؛

فرصت ها و چالش های عرضه خوراک پالایشگاه ها از مسیر بازار سرمایه برای ذینفعان

در ماده ۱۳ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور آمده است: تمامی پالایشگاه های کشور مشروط به پرداخت و تسویه وجوه نفت خام و میعانات گازی خریداری شده تحویلی به قیمت هر بشکه نود و پنج درصد (۹۵٪) تحویل روی کشتی (فوب) خلیج فارس و به صورت نقدی یا اعتبار اسنادی یک ماهه به شرکت دولتی ذی ربط تابعه وزارت نفت، مجازند فرآورده های نفتی مازاد بر نیاز داخلی را راساً صادر کنند و دولت مکلف است سالانه سهم صندوق توسعه ملی را پرداخت کند.

به گزارش خبر، سجاد موحد، مدیرعامل مرکز مالی ایران در یادداشت ارسالی با موضوع "فرصت ها و چالش های عرضه خوراک پالایشگاه ها از مسیر بازار سرمایه برای ذینفعان" به پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا) آورده است؛

در ماده ۱۳ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور آمده است:

تمامی پالایشگاه های کشور مشروط به پرداخت و تسویه وجوه نفت خام و میعانات گازی خریداری شده تحویلی به قیمت هر بشکه نود و پنج درصد (۹۵٪) تحویل روی کشتی (فوب) خلیج فارس و به صورت نقدی یا اعتبار اسنادی یک ماهه به شرکت دولتی ذی ربط تابعه وزارت نفت، مجازند فرآورده های نفتی مازاد بر نیاز داخلی را راساً صادر کنند و دولت مکلف است سالانه سهم صندوق توسعه ملی را پرداخت کند.

تبصره ۱ - استفاده از ساز و کارهای بورس انرژی در خرید و فروش نفت خام و میعانات گازی و فرآورده های نفتی و انرژی برق در اولویت قرار دارد.

تبصره ۲ - شرکت دولتی ذی ربط تابعه وزارت نفت مجاز است قیمت پایه نفت خام و میعانات گازی عرضه شده در بورس را:

۱. تا دو درصد (۲٪) کمتر از نود و پنج درصد (۹۵٪) تحویل روی کشتی (فوب) خلیج فارس تعیین کند.

۲. تا سه درصد (۳٪) کمتر از بند (۱) برای توسعه پالایشگاه های موجود یا احداث پالایشگاه های جدید تا ده سال پس از بهره برداری، تعیین کند.

طبق این ماده قانونی اجازه عرضه خوراک پالایشگاه ها از طریق بورس انرژی به شرکت ملی نفت داده شده است و ساختاری انگیزشی لازم نیز برای آن در نظر گرفته شده است که اگر خوراک پالایشگاه ها در بورس عرضه شود، می تواند ۲ درصد تخفیف داشته باشد. از سوی دیگر سهام داری ۵۰ میلیون ایرانی در پالایشگاه ها به واسطه سهام عدالت و پذیرش ۸ پالایشگاه در بورس و فرابورس ایران لزوم شفافیت در سازوکار درآمد و هزینه های پالایشگاه ها و رابطه مالی دولت، پالایشگاه ها و شرکت ملی نفت را به منظور حفظ حقوق ۵۰ میلیون سهامدار و تضمین توسعه صنعت پالایشگاهی کشور و ارتقاء بهره وری آن هر چه بیشتر نمایان می کند.

عرضه خوراک پالایشگاه ها در بورس انرژی علی رغم تمام ملاحظات اقتصادی و امنیتی همواره مورد تاکید و توجه سه بازیگر اصلی یعنی شرکت نفت ، بورس انرژی و پالایشگاه ها بوده است اما هیچگونه اقدام عملی ثمر بخشی تا کنون رخ نداده است.

برای بررسی این ملاحظه که عرضه خوراک از طریق بورس انرژی چه منافع و معایبی برای پالایشگاه ها دارد، در ابتدا ذکر یک نکته حیاتی است. دو نوع متفاوت تقاضاکننده وجود دارد که گروه اول شامل کلیه پالایشگاه ها و تولیدکنندگان عمده در ایران است که سرانه تولید و بالتبع دریافت خوراک آنها به قدری بالا است که به جای حضور در بورس انرژی و دریافت مقطعی خوراک، بهتر بوده است تا با عقد قراردادهای سالانه با عرضه کننده نفت خام یا میعانات نسبت به دریافت پیوسته و بلا انقطاع خوراک اقدام نمایند.

چرا که اصولاً مصائب و مشکلات حمل و نقل، ریسک دریافت به موقع خوراک، نبودن مخازن کافی جهت انبارش خوراک پیش از ارسال به این دریافت کننده های عمده و مواردی از این دست باعث شده است تا خوراک، طی معاملات (معمولاً سالانه) و مبتنی به قیمت گذاری حاکمیتی که گاهی با قیمت های جهانی و نیز اعمال فرمول گذاری های ویژه تعدیل میشوند (اعمال حدود ۵ درصد تخفیف مازاد از شوی شرکت نفت به شرکتها)، به دست پالایشگاه ها و دیگر مراکز عمده تولید برسد. در مقابل، گروه دوم عموماً شامل خریداران خرد میشود که این خوراک را با واسطه به تولیدکنندگان کوچک میسرانند. با این تقسیم بندی، میتوان کارایی بورس را با دقت بیشتری مورد بررسی قرار داد.

در خصوص گروه اول، عدم دریافت خوراک از طریق بورس انرژی مزایا و معایبی به همراه داشته است.

از مزایای دریافت مستقیم خوراک از شرکت نفت بدون استفاده از مکانیزم بورس و تحت دستورالعملهای موجود، حذف واسطه و افزایش سرعت در اجرایی شدن تعهدات و البته تهاتر خوراک با محصولات با حفظ میزان کرک اسپرد نام برد. در مقابل البته، در مواردی گاهی قیمت های عرضه در بورس انرژی میتواند در برابر قیمت تمام شده خوراک تحویلی به پالایشگاهها کمتر باشد که شرکتها در این صورت این شانس را از دست خواهند داد.

از طرفی معاملات بورس انرژی نسبت به شیوه معاملات مستقیم شرکت ها برای دریافت خوراک شفافیت بالاتری دارند. شفافیت اطلاعات و ثبت کلیه معاملات در بستر بورس انرژی، خود شمشیر دو لبه است. نخست آنکه در صورت ارتقا سطوح شفافیت و آزادسازی گردش اطلاعات تجاری، از فسادهای اقتصادی، پولشویی و رانت احتمالی جلوگیری میشود.

در مقابل اما با توجه به تحریمهای بین المللی علیه ایران و رصد پیوسته مجاری تجارت در این کشور از سوی تحریم کنندگان، شفافیت اطلاعات می تواند زمینه ساز اعمال موج جدید تحریمها شود. البته باید به یک نکته نیز توجه شود. برخی از پالایشگاهها (مانند پالایشگاه ستاره خلیج فارس و پالایشگاه قشم) بر اساس نوع خوراک مشخصی با درجه کیفیت تعریف شده، وارد فاز بهره برداری شده اند. ریسک عدم دریافت خوراک از شرکت ملی نفت یک موضوع دو طرفه تقلی میشود.

اولاً، ارسال پیوسته میعانات به بزرگترین پالایشگاه کشور لازمه برداشت پیوسته گاز و میعانات همراه از میدان مشترک پارس جنوبی است و در صورت وقفه در دریافت خوراک از سوی این پالایشگاه میعاناتی، باعث ایجاد سد بزرگی در برداشت صیانتی از میدان گازی پارس جنوبی میگردد و در ثانی، فرضاً اگر این دست از پالایشگاه ها بخواهند خوراک خود را از بازار بورس انرژی دریافت کنند، با مسائلی از قبیل نبود عرضه کننده کافی، مشکلات تحریم و حمل و نقل روبه رو خواهند شد که نهایتاً به سوی شرکت ملی سوق پیدا خواهند کرد و عملاً به جز اشتراک اطلاعات با بورس انرژی و کندی روند انجام معامله، چندان عایدی خاصی متوجه شرکت نفت و پالایشگاهها نخواهد شد. البته در این میان سود بورس انرژی از انجام معاملات و نیز ایجاد وابستگی میان شرکتها و نهاد خود را نباید نادیده گرفت.

عملیاتی کردن ظرفیت قراردادهای مالی نوین برای خرید خوراک ابزارها و ظرفیت های جدیدی برای سودآوری بیشتر یا بهبود عملکرد در اختیار

پالایشگاه ها قرار می دهد. اصولاً استفاده از دستورالعمل و مدل‌های جدید باعث شده است تا ریسک معاملات کاهش یافته و با افزایش امنیت قراردادهای، ضمانت اجرایی تعهدات را بالا برده است.

همانگونه که اشاره شد، در صورت رونق بورس انرژی و افزایش تعداد عرضه کنندگان محصولات و خوراک مختلف شاید بتواند گزینه‌های مناسبی را چه به لحاظ قیمت پیشنهادی و چه به لحاظ امکانات کیفی (شرایط تحویل، نوع خوراک و...) در اختیار پالایشگاه‌ها بگذارد ولی در حال حاضر عملاً با انحصار نفت در دستان دولت و نیز عدم تمایل دیگر بازیگران بین المللی برای حضور در بازار ایران، شایدگزینه معاملات بورسی چندان تفاوت فاحشی به دنبال نداشته باشد.

لزوم استفاده از مجرای بورسی اگرچه به نظام شفافیت اطلاعات کمک شایانی میکند، لیکن در صورتی که تعداد بازیگران یک حوزه (هم عرضه کننده هم تقاضاکننده) کم باشند، شاید در مقاطعی نتیجه عکس نیز به جای بگذارد و نهایتاً به نوعی تسلسل در ساختارهای راستی آزمایی و ساختارهای نظارتی منجر شود. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که تحت شیوه معاملات بدون واسطه انرژی، در مقاطعی دولت دست بازی در اعطای تخفیف‌ها و معافیت‌ها دارد که در صورت انتشار عمومی، میتواند به کلی بر روی بازار نفت و انرژی تأثیرات سو گذاشته و جهتگیری‌های عرضه و تقاضا را به کلی تغییر دهد فلذا در مقاطعی حتی فرار از شفافیت معاملات بورس انرژی به کام شرکتها خوش آیندتر نیز است و البته این تنها از دید منافع شرکتها توجیه پذیر است و ممکن است به لحاظ منافع ملی و گاه انحرافات اقتصادی احتمالی منفی قلمداد شود.

باید توجه شود که بخش عمده سبد محصولات پالایشی کشور شامل انواع مشتقات اصلی اعم از؛ نفتگاز، کروسین، بنزین (نه بنزین پرولیز) و گازمایع به شرکت ملی پخش و پالایش تحویل داده شده و عرضه ی آن در بورس انرژی از سوی شرکت‌های پالایشی به ندرت اتفاق میافتد و مدیریت عرضه این کالاها در دست نهاد حاکمیتی قرار دارد. شرکت‌های پالایشی تنها قادر به عرضه برخی از محصولات مانند انواع نفتا و انواع حلال خواهند بود که معمولاً از لحاظ کمیت، قدرت مانور در بازار، تنوع تقاضاکننده و نیز کشش بازار در جذب میزان عرضه محدودیت بیشتری دارند.

با این جهت گیری، هم اکنون عمده شرکت‌های پالایشی قادر به عرضه بخشی از سبد محصولات خود در بورس انرژی هستند که در این میان پالایشگاه اصفهان و تهران که در بورس اوراق بهادار نیز پذیرفته شده اند نمونه ای از این دست به شمار می آیند. در مقابل اما شرکت نفت ستاره خلیج فارس وجود دارد که به رغم عدم حضور در بازار سهام، بالاترین میزان عرضه نفتا در بورس انرژی را به خود اختصاص داده است که البته این مسئله به دلیل حجم بالای تولیدات در این ابر پالایشگاه کشور است. به نظر حضور در بورس اوراق بهادار تعارضی با عرضه در بورس انرژی نخواهد داشت بلکه تسهیلگر شفافیت تجارت مواد هیدروکربوری، میزان رغبت بازار به عرضه‌های شرکت پالایشی و سودآوری آن دارد و به مقدار سوددهی/ضرردهی و معیارهای ارزشمندی یک شرکت کمک شایانی می نماید.

به علاوه، عرضه در بورس انرژی از سوی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در خصوص حساسیتهای، صحت و سقم داده‌ها و جلوگیری از رانت و پولشویی می تواند نقش مثبتی را ایفا کند. هرچند تحریمها و رصد پیوسته شرکتهای پالایشی بر این موضوع سایه می افکند. نکته آن است که بورس انرژی باید بتواند با فرآیند‌های مناسبی طرف تقاضاکننده را جذب خود نماید.

برخلاف نگاهی که سوال القا میکند، شرکت‌های پالایشی در خصوص محصولاتی که در عرضه آن آزاد هستند و ملزم به تحویل به شرکت پخش و پالایش نیستند، عمدتاً در بورس انرژی عرضه کرده و همچنان مایل به ادامه عرضه هستند لیکن، به نظر بورس انرژی باید به دنبال ارتقا سطوح خدمات دهی، افزایش کیفیت و ارائه راهکارهای جدید جهت جذب مشتریان حاضر در رینگ داخلی و رینگ بین المللی باشد. باید در نظر گرفته شود که به صورت کلی عرضه در بورس انرژی با همه ی نقدها و کاستیها باعث بهبود روند کشف پرمیوم و نیز شناسایی تقاضاهای جدید خواهد شد. شرکت پخش و پالایش، عمده محصولات سبد سوختی کشور را صرف تأمین سوخت مورد نیاز داخلی کشور و مازاد را به مشتریان ویژه ارائه می کند. مقصود از بیان این مسئله، محدودیت در میزان عرضه‌ها و عدم وجود میزان زیاد و متنوع محصولات جهت عرضه در رینگ بورس انرژی است. به هرحال باید در نظر گرفته شود که جهت ایجاد رونق در هر بازاری من جمله بازار بورس انرژی، باید به حضور گسترده تر طرفین عرضه و تقاضا اهتمام ورزید.

منبع: پایگاه خبری بازار سرمایه ایران(سنا)